

## ابعاد، شاخص‌ها و الزامات نظریه نظام انقلابی

مصطفی قربانی\*

محسن محمدی الموتی\*\*

### چکیده

نظریه نظام انقلابی، یکی از مهم‌ترین تجربیات اندوخته شده در گام اول انقلاب اسلامی است که هرگاه به آن عمل شده، موفقیت‌آمیز بوده و هرگاه نسبت به آن کم‌توجهی صورت گرفته، دل‌زدگی، سکون و رکود ایجاد شده است. از این‌رو، در گام دوم انقلاب اسلامی، باید این نظریه بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که «اولاً ابعاد و شاخص‌های نظریه نظام انقلابی چیست و ثانیاً عمل به این نظریه حاوی چه الزاماتی است؟» پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده و فرض بر آن است که این نظریه، دارای سه بُعد اندیشه‌ای، گرایشی و عملی؛ یعنی اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است؛ بر این اساس، ضمن تشریح این ابعاد، شاخص‌های متناظر با هر کدام از آن‌ها استخراج شده و الزامات عملی تحقق آن‌ها نیز تبیین شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نظام انقلابی، اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی، عمل جهادی.

---

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: dr.ghorbani91@gmail.com)

\*\* استادیار گروه علوم سیاسی، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی علیه‌السلام

## مقدمه

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، با اشاره به این که بروز آسیب‌ها و دل‌زدگی‌ها در سایه چرخش از مبانی انقلاب اسلامی ایجاد شده و هرگاه نگاه انقلابی و جریان انقلابی نادیده گرفته شده، پیامدهای خسارت‌بار ایجاد شده است، خاطر نشان کردند که «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند؛ بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند».

مطابق با آنچه ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر آن تصریح داشته‌اند، موفقیت‌ها و دستاوردهای چهل سال گذشته در سایه انقلابی‌گری و عمل به ارزش‌ها و اصول انقلاب حاصل شده و هرچا که دل‌زدگی و چالشی در این مدت در کشور ایجاد شده، به دلیل روی‌گردانی از ارزش‌ها و اصول انقلابی و جریان انقلابی کشور بوده است. توجه به این مهم در بیانیه مذکور از یک‌سو و دفاع از «نظریه نظام انقلابی» از سوی دیگر، در عین مشخص کردن آرمان‌های انقلاب اسلامی در گام دوم، نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان، نظریه نظام انقلابی، نقشه راه پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی است. به تعبیر دیگر، محتوای بیانیه گام دوم انقلاب، حاکی از آن است که جبران راه‌های طی نشده انقلاب در گام اول و فتح افق‌ها و اهداف تعیین‌شده در گام دوم انقلاب، تنها با عمل به نظریه نظام انقلابی مقدر و میسر است.

بر این اساس، می‌توان گفت که نظریه نظام انقلابی، مهم‌ترین مفهوم مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است؛ زیرا همان‌گونه که موفقیت‌های چهل سال اخیر در سایه نگاه انقلابی حاصل شده، در گام دوم نیز باید نگاه و شیوه‌های انقلابی جهت‌دهنده اصلی حرکت کشور در ابعاد مختلف باشد و این مهم عملی نمی‌شود؛ مگر در سایه نظام انقلابی؛ بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نظریه نظام انقلابی چیست و دارای چه ابعاد و شاخص‌هایی است؟ پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود و در آن، بیانات مقام معظم رهبری، به‌ویژه متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، منبع اصلی استناد و تحلیل است.

## ۱. روش پژوهش

در تلاش برای استنباط ابعاد و شاخص‌های نظریه نظام انقلابی، از روش «عملیاتی کردن مفاهیم» استفاده شده است (ر.ک: کیوی، کامپنهود، ۱۳۹۲: ۱۳۸-۱۲۰) که بر اساس آن، ابتدا نظریه نظام انقلابی، به ابعاد آن تجزیه شده و سپس، ضابطه‌ها و شاخص‌های متناظر با هر بُعد، با تتبع در دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مقام معظم رهبری استنباط و استخراج شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

بحث و بررسی درباره نظریه نظام انقلابی، به سبب نو و بدیع بودن طرح این نظریه، فاقد پیشینه پژوهشی جدی است و عمده آثار و تحلیل‌های مرتبط با این نظریه، به بحث‌های موجود در مجلات، نشریات و روزنامه خلاصه شده است که در زیر به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین تحلیل در ارتباط با نظریه نظام انقلابی، مطلبی است که با عنوان «نه آنارشسیسم، نه محافظه‌کاری» (هفته‌نامه خط حزب‌الله، شماره ۱۷۳) در هفته‌نامه خط حزب‌الله منتشر شده است. در این مطلب، دو دیدگاه رقیب نظریه نظام انقلابی؛ یعنی دیدگاهی که قائل به «عبور از ساختارهای موجود» است و دیدگاه «دیوان‌سالاری و تکنوکراسی» تشریح شده است. این مطلب، اگرچه به فهم دقیق دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره نظریه نظام انقلابی کمک می‌کند؛ اما در آن هیچ اشاره‌ای به ابعاد، شاخص‌ها و الزامات عمل به نظریه نظام انقلابی نشده است؛

۲. مطلب دیگر، یادداشتی است که توسط آقای مهدی جمشیدی، با عنوان «نظریه‌ای که راهنمای عمل است» (جمشیدی، ۱۳۹۷)، نوشته شده و در آن تلاش شده تا از تناقض ظاهری نظریه نظام انقلابی، ابهام‌زدایی شود. این یادداشت نیز در درک چپستی نظریه نظام انقلابی به ما کمک می‌کند؛ اما در آن نیز به موضوع اصلی پژوهش حاضر اشاره‌ای نشده است.

۳. کتاب «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ افتخار به گذشته، امید به آینده» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸) نیز از جمله آثاری است که در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر منتشر شده است. در این کتاب که توسط سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است، به ترتیب نقش جوانان، مسئولان، رسانه‌ها و نیروهای مسلح برای تحقق اهداف و سرفصل‌های مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تشریح شده است؛ اما در آن اشاره‌ای به نظریه نظام

انقلابی نشده است؛ بنابراین، نمی‌تواند در ارتباط با پژوهش حاضر اثر مستقلاً محسوب شود؛ بنابراین، می‌توان گفت که موضوع پژوهش حاضر، بدیع است.

### ۳. چیستی نظریه نظام انقلابی

منظور از نظریه در اینجا، مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با هم است که نظام انقلابی را توصیف، تبیین و توضیح می‌دهد که با عملیاتی کردن آن مفاهیم، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها استخراج می‌شود (ر.ک. وینسنت، ۱۳۹۲: ۱۵) با این حال، ماهیت نظریه نظام انقلابی از این جهت که مجموعه‌ای از مفاهیم است که میان آن‌ها ارتباط منطقی وجود دارد و نظام انقلابی را توصیف و تبیین می‌کند، با سایر نظریه‌های یکسان است.

در توضیح باید گفت که نظریه نظام انقلابی، نظریه‌ای است که راهگشای عمل انقلابی در چهارچوب یک نظام سیاسی انقلابی است؛ بنابراین، در نظریه نظام انقلابی، خطوط کلی عمل انقلابی ترسیم و تبیین می‌شود. در واقع، در اینجا منظور از نظریه نظام انقلابی، نظریه‌ای است که بر مبنای مبانی، الزامات و نیازهای انقلاب اسلامی، راه‌حل‌های عملی برای تداوم انقلاب اسلامی و حفظ سیرت و صورت آن در شرایط متحول محیطی ارائه می‌دهد.

نکته مهمی که در اینجا باید بدان اشاره کرد، ابهام‌زدایی از مفهوم متناقض‌نمای نظام انقلابی است؛ زیرا در علوم اجتماعی غربی، از این نظر دفاع می‌شود که «نهضت» نمی‌تواند سازگار با «نهاد» باشد و چون «نهضت» به «نهاد» تبدیل شد، خواه‌ناخواه دوران «نهضت» به سر خواهد آمد. این امر بدان دلیل است که ذات نهضت، «پویایی» است و ذات نهاد، «ایستایی»؛ و این دو امر متناقض، در محل واحد جمع نمی‌شوند. از این‌رو، «نظام انقلابی» تعبیری متناقض‌نما و متناقض‌الاجزا است؛ هنگامی که انقلاب به نظام تبدیل می‌شود، دیگر نمی‌توان سخن از انقلاب گفت و به روش‌ها و مقاصد انقلابی تن داد و ادعای انقلابی‌گری داشت. بر این اساس، کسانی، یا «اصلاح» را جایگزین انقلاب کردند، یا «نظام» را. آن عده که «اصلاح و اصلاح‌گری» را می‌ستایند، به مذمت انقلاب می‌پردازند و انقلاب را به واقعیتی آغشته به هیجان‌های کورکورانه و دشمن‌تراش و بلندپروازانه متهم می‌کنند که ما را به ناکجاآباد سوق می‌دهد؛ و کسانی که «نظام جمهوری اسلامی» را جایگزین «انقلاب اسلامی» می‌شمرند، بر این باورند که باید میان این دو، یکی را انتخاب کنیم، به طوری که یا باید

دوران انقلاب و انقلابی‌گری را به‌سرآمده و تمام‌شده فرض کنیم و به قواعد حکمرانی متداول گردن نهیم، یا باید معترضانه و ناسازگارانه، در برابر دنیا قرار گرفته و فریاد برآوریم.

حال آن‌که هر دوی این برداشت‌ها، خطاست؛ انقلاب و انقلابی‌گری، با تعبیری که امام خمینی از آن داشتند و رهبر انقلاب نیز از آن سخن می‌گویند، تمام‌شدنی و تاریخی نیست و نظام سیاسی برآمده از انقلاب، اگر به انقلاب پشت کند و با توجیه «ثبات» و «منطق» و «عقلانیت»، از فرهنگ انقلابی عبور کند، آفت ویرانگر «ارتجاع» به‌آسانی تحقق خواهد یافت و حاصل انقلاب، چیزی جز «جابجایی حاکمان» نخواهد بود (جمشیدی، ۱۳۹۷)؛ بنابراین، در تعریف نظام انقلابی باید از کلیشه‌های موجود فراتر رفت؛ زیرا در اینجا، نظام، اشاره به ساختار و انقلاب، اشاره به آرمان‌ها می‌کند؛ یعنی نظام انقلابی، نظامی است که کار ویژه خود را تحقق آرمان‌های انقلاب می‌داند. از این‌رو، در این‌گونه نظام، میان جوشش انقلابی و تحول‌خواهی انقلابی با استقرار و ثبات ساختاری (سازمانی) جمع صورت گرفته است. البته این به معنای پذیرش منطق ایستایی و رکود ساختاری نیست؛ بلکه با مبنا قرار دادن آرمان‌های انقلاب، برای تحول ساختاری نیز تلاش می‌شود.

بر این اساس، این نظریه در میانهٔ انقلاب‌گرایی و اصلاح‌گرایی قرار می‌گیرد؛ انقلابی است؛ زیرا به تحول دائمی معتقد است؛ اصلاح‌گرا است؛ زیرا تحول دائمی را از راه اصلاح تدریجی ساختارهای موجود و نه نفی و طرد کامل آن‌ها پیگیری می‌کند. از سوی دیگر، هم در مقابل رویکردهای سلبی‌گرای کامل که قائل به نظم و نظام‌های سیاسی موجود نیستند و آن‌ها را نفی و طرد می‌کنند، قرار می‌گیرد و هم در مقابل رویکردهای محافظه‌کار و ایده‌آل‌پنداری است که نظم و نظام‌های موجود را کامل دانسته و بنابراین، با هرگونه آرمان‌گرایی و انقلابی‌گری در قالب ساختارها مخالف هستند. از این جهت، نظریهٔ نظام انقلابی، جمع میان انقلابی بودن با ساختارگرا بودن است. انقلابی است؛ زیرا تحول دائمی تا رسیدن به سرمنزل مقصود را در چهارچوب گفتمان، آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی پیگیری می‌کند. ساختارگرا است؛ زیرا وجود ساختارها را لازمهٔ تحقق آرمان‌ها می‌داند و البته بر اساس همان روحیهٔ انقلابی و آرمان‌خواهی، معتقد به تحول دائمی در ساختارها، در راستای همان اصول انقلابی است.

#### ۴. اهمیت نظریه نظام انقلابی

نظریه نظام انقلابی، نظریه‌ای است که معطوف به حفظ سیرت و ساخت حقیقی انقلاب اسلامی و تداوم کنش‌های انقلابی در گام دوم انقلاب اسلامی است. از این‌رو، این نظریه در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی نقش حیاتی خواهد داشت. این نظریه، به‌ویژه با توجه به شرایط کنونی انقلاب؛ یعنی در پایان گام اول و ورود به گام دوم، اهمیتی مضاعف دارد. به بیان دیگر، اهمیت این نظریه ناظر به عوامل و متغیرهای زیر است:

##### ۴.۱. نظریه‌ای برای جبران نارسایی‌ها و دل‌زدگی‌ها

برآیند تحلیل منصفانه و واقع‌بینانه رهبری معظم در تبیین راه طی شده، «تحقق دستاوردها به تبع تعهد نسبت به مبانی انقلاب اسلامی» و «بروز آسیب‌ها در سایه چرخش از مبانی انقلاب اسلامی» است. از این‌رو، روح انقلابی و انقلابی‌گری باید در ارکان نظام تقویت شود تا بتوان نقاط ضعف در عملکردها را بیش‌ازپیش مرتفع کرد. در این میان، نظریه نظام انقلابی، تمهیدات نظری و حتی عملی لازم را برای این منظور فراهم می‌کند.

##### ۴.۲. تمایز خطوط فاصل انقلاب اسلامی و تضمین هویت بخشی آن

انقلاب اسلامی در برهه کنونی با دو جریان مواجه است: جریانی که معتقد است برای مطالبه آرمان‌ها و استمرار انقلاب اسلامی، حتی می‌توان از ساختارها هم عبور کرد و هیچ‌کس و هیچ‌چیز هم نباید سد راه این موضوع شود. به باور اینان، اساساً انقلاب اسلامی برای تحقق کامل شعارها و آرمان‌هایش رخ داده است و اگر در مسئله‌ای، ساختار کنونی نظام جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت تحقق آن آرمان‌ها را نداشت، می‌توان از آن‌ها عبور کرد (هفته‌نامه خط حزب‌الله، شماره ۱۷۳). مضر و خسارت‌بار بودن این تفکر بدیهی است. از این‌رو، رهبر معظم انقلاب اسلامی با ردّ این‌گونه برداشتی، انقلابی‌گری را فقط در بستر نظام قابل تحقق می‌داند (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39710>).

در نقطه مقابل این تفکر و جریان، تفکر «دیوان‌سالاری» و «تکنوکراسی» وجود دارد که معتقد به پایان‌پذیری روحیه انقلابی؛ بدین معنا که انقلابی‌گری برای زمان پیروزی انقلاب است و نه استقرار

آن و بنابراین، ارزش‌ها و شعارهای انقلاب صرفاً در مرحلهٔ انقلاب کردن اعتبار و کارآمدی دارد و نه در مرحلهٔ بعد از انقلاب و تشکیل حکومت. پیامد این نگاه، محصور کردن انقلاب و ارزش‌های آن در چهارچوب قفس‌های آهنین بروکراسی و به بیان دقیق‌تر، تسلیم ساختارها شدن و تحمیل منطق بروکراسی بر منطق انقلابی‌گری است که به محافظه‌کاری و سکون می‌انجامد (هفته‌نامهٔ خط حزب‌الله، شمارهٔ ۱۷۳). مقام معظم رهبری این نوع نگاه را نیز نفی کرده و می‌فرماید:

در مجموعهٔ انقلاب، از اوّل انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند این‌ها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا می‌کنند به تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیرقانونی و از این حرف‌ها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اول پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است. ... انقلاب مراحل دارد؛ آنچه در اول انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحلهٔ اول انقلاب بود، یعنی انفجار در مقابل نظام باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو و با لغت نو، با تعبیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحلهٔ اول انقلاب بود. بعد در مرحلهٔ دوم، این نظام بایستی ارزش‌ها را محقق کند؛ این ارزش‌ها و آرمان‌هایی که حالا اشاره می‌کنم و بعضی را می‌گوییم، باید در جامعه تحقق ببخشد. به این ارزش‌ها، اگر بخواهد تحقق ببخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی؛ بنابراین مرحلهٔ بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بُن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیلهٔ اجرائیات درست - قانون درست، اجرای درست - این آرمان‌ها و ارزش‌هایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت، نتیجه می‌شود جامعهٔ انقلابی؛ یک جامعهٔ انقلابی به وجود می‌آید که این مرحلهٔ چهارم است. حرکت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی، جامعهٔ انقلابی؛ این چهارم است. بعد که جامعهٔ انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمهٔ «انقلابی» می‌توانید کلمهٔ «اسلامی» بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی، جامعهٔ اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مراحل است که وجود دارد؛ بنابراین، انقلاب تمام نمی‌شود، انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، انقلاب متوقف نمی‌شود. یک صیرورتی وجود دارد؛ صیرورت، یعنی شدن، شدن دائم، تحوّل دائمی؛ در مسیر انقلاب، یک صیرورت دائمی‌ای وجود دارد که این صیرورت دائمی، به تدریج آن

آرزوهای بزرگ را، آن ارزش‌های والا را، آن آرمان‌ها را در جامعه تحقق می‌بخشد  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39710>).

راه‌حل دچار نشدن به این دو آفت، آن‌گونه که رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تصریح کردند، ترویج نظریه نظام انقلابی است؛ نظریه‌ای که در آن، میان جوشش و خروش انقلابی یا به تعبیری، آرمان‌خواهی انقلابی و ایستایی و یکنواختی ساختاری تعارض و تضادی نمی‌بیند؛ زیرا در این نظریه، اصل بر ساختن است و نه تاختن؛ اصل بر حرکت است و نه جمود؛ به عبارت دیگر، در نظام انقلابی، می‌توان در عین پایبند بودن به ساختار، انقلابی هم ماند و برای رفع مشکلات ساختار و کارآمدسازی هرچه بیشتر آن، تلاش کرد.

#### ۳.۴. ردّ تئوری ترومیدوری انقلاب‌ها

از زاویه‌ای دیگر می‌توان گفت که نظریه نظام انقلابی، در نقطه مقابل تئوری ترومیدوری انقلاب‌ها (ر.ک: برینتون، ۱۳۶۶: ۲۶۶-۲۴۰) نیز قرار دارد و درصدد اثبات این گزاره است که انقلاب اسلامی ایران، انقلابی در حال شدن است که آرمان‌های آن با مرور زمان کهنه و بی‌اعتبار نمی‌شود و بنابراین، به سرنوشت انقلاب‌های دیگر مبتلا نخواهد شد.

#### ۴.۴. تضمین ماندگاری انقلاب اسلامی:

بدون شک، میان حفظ روحیات، جهت‌گیری‌ها، سیاست‌ها و کنش‌های انقلابی به‌مثابه سیرت یا ساخت حقیقی انقلاب اسلامی، با ماندگاری انقلاب اسلامی نسبت مستقیم وجود دارد. مقام معظم رهبری درباره اهمیت این ساخت حقیقی می‌فرمایند:

نظام جمهوری اسلامی، یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است که البته حفظ این‌ها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک



جسم سخت در هم می‌شکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ این‌ها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>).

از این‌رو، نظریه نظام انقلابی که معطوف به حفظ ساخت حقیقی و همچنین، حفظ روحیات، سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های انقلابی نظام است، الزامی برای تضمین ماندگاری انقلاب اسلامی است؛ به عبارت دیگر، نظریه نظام انقلابی را می‌توان «نظریه ماندگاری انقلاب اسلامی» نیز نامید. این موضوع به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که تلاش برای «انقلاب‌زدایی» یکی از محورهای مهم در اقدامات خصمانه دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران است.

## ۵. ابعاد نظریه نظام انقلابی

با توجه به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر به کار بستن نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی و ساختن الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی، در فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب، می‌توان گفت که نظریه نظام انقلابی دارای سه رکن یا بُعد اساسی است که عبارت‌اند از: ۱. «اندیشه انقلابی»؛ ۲. «روحیه انقلابی»؛ ۳. «عمل جهادی» که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

### ۵. ۱. اندیشه انقلابی

نگاه انقلابی که می‌توان از آن به ایدئولوژی و پایه نظری نظام انقلابی تعبیر کرد، همانا اسلام انقلابی است. در واقع، نظام انقلابی باید مبتنی بر یکسری پایه‌های نظری - اندیشه‌ای باشد که بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، پایه‌های مذکور برگرفته از اسلام انقلابی است؛ به عبارت دیگر، بنیان‌های نظری نظام انقلابی که در حکم راهنما، جهت‌دهنده، فراخ‌کننده و در عین حال، محدودکننده آن هستند، برگرفته از اسلام انقلابی است؛ یعنی نظام انقلابی در صورتی، انقلابی خوانده می‌شود که مبتنی بر ایدئولوژی یا ایده‌ها و بنیان‌های نظری انقلابی پایه‌گذاری شود؛

بنابراین، در نظام انقلابی، مبنای راهنما و جهت‌دهنده، اسلام انقلابی است. در عین حال، مشروعیت و شرافت ابزارهای موردنیاز برای اداره این‌گونه نظامی نیز براساس اصول اسلامی تعیین می‌شود. ازجمله مهم‌ترین شاخص‌ها در اندیشه انقلابی می‌توان به اسلام‌محوری، نفی و طرد هرگونه التقاط در اندیشه، نفی و مبارزه با اسلام آمریکایی، طرد سکولاریسم و تحجر، اعتقاد راسخ به نقش مردم، حُسن ظن و اعتماد به وعده‌های الهی، نفی استکبار و مبارزه با آن، نفی سلطه‌پذیری و تأکید بر حفظ استقلال کشور، تأکید بر پیشرفت هویت‌محورانه، تأکید بر وحدت در ابعاد داخلی و در میان امت اسلامی، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، دقت در حفظ مصلحت‌ها و ... اشاره کرد.<sup>۱</sup>

## ۵.۲. روحیه انقلابی

روحیه انقلابی که می‌توان از آن به «انقلابی‌گری» هم تعبیر کرد، از یک زاویه، وجه‌گرایی نظریه نظام انقلابی را تشکیل می‌دهد و از زاویه دیگر، وجه سازمان یا ساختاری آن را تشکیل می‌دهد. می‌توان به تلفیق این دو نوع نگاه رأی داد و براساس آن گفت که منظور از روحیه انقلابی، ایجاد یا وجود ساختارها و سازمان‌هایی است که در آن‌ها روحیه انقلابی، ساری و جاری باشد؛ یعنی ساختارهایی که خصیصه سازندگی، تحول‌گرایی، پویایی، بالندگی و ... در آن‌ها موج بزند. به عبارت دقیق‌تر، در مفهوم روحیه، شور و احساس متعالی نهفته و انگیزه، اراده و عزم مفاهیمی است که در متن دانش‌واژه روحیه است.

بر این اساس، روحیه انقلابی حالتی است که فرد انقلابی بی‌توجه به سختی‌ها، موانع، فشارها، تهدیدات، تنها به پیشبرد آرمان انقلاب می‌اندیشد. البته این به معنای بی‌توجهی به واقعیت‌ها نیست؛ بلکه منظور این است که در عین توجه به واقعیت‌ها، اما اسیر منطق واقعیت‌ها نمی‌شود و در برابر واقعیت‌های نامطلوب، تسلیم نمی‌شود؛ بلکه برای ایجاد و رقم زدن واقعیت‌های مطلوب، با عزم و اراده انقلابی و تحول‌خواهی، اقدام می‌کند. از این جهت، مفهوم روحیه انقلابی در اینجا با مفهوم

۱. شاخص‌های مذکور از بیانات مقام معظم رهبری درباره شاخص‌های خط امام علیه‌السلام که در سال‌های متمادی در مراسم‌های سالگرد رحلت امام علیه‌السلام ارائه شده، اخذ شده است. ازجمله می‌توان به این موارد رجوع کرد: بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام علیه‌السلام ۱۳۷۱/۰۳/۱۴؛ ۱۳۸۳/۰۳/۱۴؛ ۱۳۸۹/۰۳/۱۴؛ ۱۳۹۰/۰۳/۱۴؛ ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

روحیه انقلابی در مرحله شکل‌گیری و تکوین انقلاب‌ها، آن‌گونه که در تئوری‌های انقلاب‌ها گفته می‌شود، قرابت و بلکه تطابق معنایی دارد؛ زیرا در هر دو حالت، روحیه انقلابی، عاملی درونی و انگیزاننده است که با تقویت شجاعت و روحیه، منجر به کنش‌های انقلابی می‌شود. بر این اساس، اشاره به روحیه انقلابی در نظریه نظام انقلابی می‌تواند به این معنی باشد که همان روحیه، شجاعت، امیدواری و اهل اقدام و عمل بودنی که در مرحله پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی، سبب گره‌گشایی و بن‌بست‌شکنی شده است، در گام دوم انقلاب اسلامی نیز باید حفظ و تقویت شود.

در جامع‌ترین تعریفی که رهبری معظم انقلاب از روحیه انقلابی ارائه داده‌اند، مجموعه‌ای از خصوصیات را به عنوان روحیه انقلابی ذکر کرده‌اند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

معنای روحیه انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا، به سمت آینده روشن حرکت می‌کند؛ انقلابی‌گری یعنی این؛ این [فرد] انقلابی است؛ این روحیه انقلابی را باید حفظ کرد (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34815).

بنابراین، «شجاعت»، «اقدام و عمل»، «ابتکارورزی»، «بن‌بست‌شکنی» و «امیدواری نسبت به آینده» از جمله شاخص‌های روحیه انقلابی از دیدگاه رهبری معظم انقلاب است.

### ۵.۳. عمل و مدیریت جهادی

عمل جهادی، با مدیریت جهادی قرابت دارد و همان‌گونه که از عنوان آن برمی‌آید، بعد یا رکن عملی نظریه نظام انقلابی است و عملی است که در شرایط کمبود و وجود موانع متعدد، با احساس تکلیف، تعهد انقلابی و رسالت، بتواند کارآمدی خود را در اداره جامعه ثابت کند و در حل معضلات جامعه توفیق پیدا کند (قربانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). مقام معظم رهبری در تعریف این نوع مدیریت می‌فرمایند: «مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت ...» (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36243). «پُرکاری، با تدبیر حرکت کردن، شب‌وروز نشناختن و دنبال کار را گرفتن، این معنای مدیریت جهادی است» (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38975). یا این‌که در جای دیگری می‌فرمایند: «مدیریت جهادی، عبارت است از خودباوری و اعتمادبه‌نفس و اعتماد به کمک الهی» (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26284).

در ضرورت مدیریت جهادی برای تحقق گام دوم انقلاب باید گفت که کارآمدی و توفیق هر دولتی در اداره جامعه را بر اساس سه مؤلفه اهداف، امکانات و موانع موجود می‌سنجند (فتحعلی، ۱۳۸۹: ۱۶۳)؛ به عبارت دیگر، با توجه به موانع و امکاناتی که هر دولت در اختیار دارد می‌توان در مورد میزان موفقیت آن دولت در دستیابی به اهدافش قضاوت کرد. نظام جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو دارای اهدافی بلند (ملی و فراملی) است، به‌گونه‌ای که علاوه بر توفیق در اداره حیات مادی جامعه، به تربیت و پرورش فضیلت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی توجه دارد و از سوی دیگر، با موانع فراوان (داخلی و خارجی) و امکاناتی محدود (با توجه به این‌که این کشور با تحریم‌های ناجوانمردانه استکبار جهانی روبرو است) مواجه است؛ بنابراین، در شرایط کنونی، با توجه به محدود بودن امکانات و فراوانی موانعی که بر سر راه این نظام در تحقق اهداف آن وجود دارد، با حرکت و تلاشی عادی و معمولی توانایی و سرعت عمل این نظام در تحقق اهدافش کند خواهد بود. از این‌رو، اینجاست که ضرورت مدیریت جهادی مطرح می‌شود.

با توجه به آن‌چه گفته شد، شاخص‌های عمل جهادی عبارت‌اند از: «کار با نیت الهی»، «اعتماد به کمک الهی»، «کار مبتنی بر علم و درایت»، «پُرکاری»، «خودباوری» و «اعتمادبه‌نفس».

ابعاد نظریه نظام انقلابی	شاخص‌ها
اندیشه انقلابی	اسلام‌محوری؛ نفی و طرد هرگونه التقاط در اندیشه؛ نفی و مبارزه با اسلام آمریکایی؛ طرد سکولاریسم و تحجر؛ اعتقاد راسخ به نقش مردم؛ حُسن ظن و اعتماد به وعده‌های الهی؛ نفی استکبار و مبارزه با آن؛ نفی سلطه‌پذیری و تأکید بر حفظ استقلال کشور؛ تأکید بر پیشرفت هویت‌محورانه؛ تأکید بر وحدت در ابعاد داخلی و در میان امت اسلامی؛ آرمان‌گرایی واقع‌بینانه؛ دقت در حفظ مصلحت‌ها.

<p>شجاعت؛ اقدام و عمل؛ ابتکارورزی؛ بن‌بست‌شکنی؛ امیدواری نسبت به آینده.</p>	<p>روحیه انقلابی</p>
<p>کار با نیت الهی؛ اعتماد به کمک الهی؛ کار مبتنی بر علم و درایت؛ پُرکاری؛ خودباوری و اعتمادبه‌نفس.</p>	<p>عمل جهادی</p>

## ۶. الزامات نظریه نظام انقلابی برای تحقق گام دوم

برای بررسی الزامات نظریه نظام انقلابی برای تحقق گام دوم انقلاب باید به بررسی این الزامات در ارکان نظریه مذکور پرداخت. به عبارتی، تحقق افق‌های تعیین‌شده در گام دوم انقلاب مستلزم اقدامات انقلابی در سه حوزه نگاه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی، به‌عنوان ارکان نظریه نظام انقلابی است.

### ۶.۱. در حوزه اندیشه انقلابی

الزامات نظریه نظام انقلابی برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه انقلابی، بدین معناست که در تلاش برای استحکام نظام انقلابی باید علاوه بر نفی و طرد نگاه‌های غیرانقلابی در اداره کشور که اتفاقاً در چهل سال گذشته منشأ آسیب و دل‌زدگی بوده است، برای تثبیت و تقویت اندیشه و نگاه انقلابی تلاش شود. برخی از مهم‌ترین الزامات این حوزه عبارت‌اند از:

۶.۱.۱. پایبندی به هندسه انقلاب اسلامی: توجه به هندسه انقلاب اسلامی که از دیدگاه مقام معظم رهبری مبتنی بر هفت اصل «مردم»، «استقلال کشور»، «تدین و پایبندی به مبانی اسلامی»، «مبارزه با استکبار و زورگویی»، «موضوع معیشت مردم»، «توجه به مستضعفین و رفع فقر» و «مسئله فلسطین» است (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31847>)، بهترین تجلی نگاه

انقلابی و از مهم‌ترین الزامات آن در سیاست‌گذاری و اقدام است. به عبارت دیگر، نگاه انقلابی ایجاب می‌کند که در گام دوم انقلاب اسلامی، خطوط هفت‌گانه مذکور همچنان مورد توجه قرار گیرد.

#### ۶.۱.۲. پایبندی به شاخص‌های انقلابی‌گری: نگاه انقلابی ایجاب می‌کند که در گام دوم انقلاب

اسلامی، همچنان به شاخص‌های انقلابی‌گری توجه شود. این شاخص‌ها از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت‌اند از: «پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی»، «هدف‌گیری مستمر آرمان‌ها و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها»، «پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور»، «حساسیت در برابر دشمن و تبعیت نکردن از او» و «تقوای دینی و سیاسی» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259>).

#### ۶.۱.۳. توجه به ساخت حقیقی نظام: سیاست‌گذاری و اقدام برای تقویت و استحکام ساخت

حقیقی نظام جمهوری اسلامی ایران که از دیدگاه معظم له «همان آرمان‌های جمهوری اسلامی» و شامل «عدالت»، «کرامت انسان»، «حفظ ارزش‌ها»، «سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق»، «ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن» و ... است (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>), از دیگر الزامات نگاه انقلابی است؛ به بیان دیگر، نظام انقلابی در گام دوم انقلاب اسلامی نمی‌تواند به آرمان‌های والای نظام بی‌توجه باشد؛ بلکه جهت‌گیری اصلی سیاست‌های آن باید معطوف به تحقق و جامه عمل پوشاندن به آرمان‌های اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد.

#### ۶.۱.۴. اثبات کارآمدی نگاه انقلابی: آن‌گونه که سیر تحولات چهل سال گذشته انقلاب اسلامی

نشان می‌دهد، هرگاه نگاه انقلابی مبنای تصمیم‌گیری و اقدام بوده است، نه تنها از مشکلات پیش‌رو عبور کرده‌ایم؛ بلکه فرصت‌سازی و مزیت‌آفرینی نیز صورت گرفته است. در واقع، در هر حوزه‌ای که بر اصول و مبانی انقلابی تأکید داشته، جهت‌گیری‌های درون‌نگر، مدیریت جهادی و... حاکم بوده است، پیشرفت کرده‌ایم، مانند حوزه علم و فناوری یا حوزه دفاعی. جالب آن‌که در این حوزه‌ها هم همیشه با تحریم‌های سنگینی مواجه بوده‌ایم؛ یعنی علی‌رغم وجود موانع و فشارهای متعدد، توانسته‌ایم پیشرفت کنیم. با این حال، در حوزه‌هایی مانند اقتصاد که از اصول و مبانی انقلابی فاصله گرفته‌ایم و جهت‌گیری‌های معطوف به تقویت درون، مدیریت جهادی و انقلابی نداشته‌ایم و در عوض، به بیرون از مرزهای کشور چشم دوخته‌ایم، پیشرفت‌های چشمگیری نداشته‌ایم. دقت در آمارهای تخصیص بودجه و اعتبار در سال‌های مختلف ادعای مطرح شده در بالا را به‌خوبی تأیید می‌کند؛ زیرا در حوزه

دفاعی در حالی به توان دفاعی راهبردی و بازدارنده دست یافته‌ایم که بودجه اختصاص یافته به تقویت بنیه دفاعی کشور حدود پنج درصد بوده است و در مقایسه با کشورهای منطقه بسیار کمتر است (Cordesman, Harrington, 2018 و <https://tradingeconomics.com>).

آنچه در این ارتباط بیش از همه حائز اهمیت است، تصویرسازی است؛ زیرا در اصل این که نگاه انقلابی حلال مشکلات کشور است، شکی نیست، اما این که ادراک نخبگی و عمومی تا چه حد به این گزاره باور داشته باشد، وابسته به کیفیت و میزان اثربخشی تصویرسازی از ظرفیت‌های نگاه انقلابی در اداره کشور است. کارویژه تصویرسازی، بیش از هر حوزه‌ای هم مربوط به رسانه‌ها است.

**۱.۵. طرد و انزوای نگاه غیرانقلابی:** استحکام نگاه انقلابی ایجاب می‌کند که علاوه بر تلاش برای اثبات کارآمدی نگاه انقلابی، برای نفی، طرد و به حاشیه راندن نگاه‌های غیرانقلابی نیز تلاش شود. در واقع، از آنجا که نگاه‌های غیرانقلابی در اداره کشور منشأ آسیب و دل‌زدگی بوده، باید آسیب‌ها و مضرات این نوع نگاه‌ها برای جامعه تبیین شود تا در بزنگاه‌هایی مانند انتخابات، در دام لفاظی‌ها و گفتاردرمانی‌های گفتمان‌های غیرانقلابی گرفتار نشوند.

**۱.۶. اولویت درون‌گرایی:** ظرفیت‌های متعددی در داخل کشور وجود دارد که هرگاه به آن‌ها اعتماد و اتکا شده است، چشمه‌های موفقیت جوشیدن گرفته و بخشی از معضلات کشور حل و رفع شده که به برخی از این نمونه‌ها در بالا اشاره شد. در واقع، موفقیت‌ها و دستاوردهای چهل سال گذشته در شرایطی صورت گرفته که به درون اتکا داشته‌ایم و در هر حوزه‌ای که به بیرون چشم دوخته‌ایم، موفقیت چندانی حاصل نشده است. از این‌رو، مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«... امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم ... نمی‌گوییم از این‌ها استفاده نکنید، اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید...» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>).

**۱.۷. فراتر رفتن از جزم‌اندیشی‌های نظری:** در حوزه اندیشه انقلابی، یک الزام مهم، گرفتار نشدن در حوزه‌های نظری غیرمرتبط و فاقد قابلیت عملی شدن و فراتر رفتن از جزم‌اندیشی‌های نظری است. به عبارتی، از آنجا که در حوزه اندیشه و نظریه‌پردازی در کشور، متأثر از تسلط علوم انسانی غربی، قاعده‌مندی‌هایی حاکم است که به‌طور عمده، فاقد ظرفیت لازم برای اندیشه‌ورزی بر مبنای مبانی، الزامات و نیازهای انقلاب اسلامی است، مواجیهیم، الزامات اندیشه‌ای نظریه نظام انقلابی

ایجاب می‌کند که نباید خود را گرفتار قاعده‌مندی‌های این علوم بکنیم. درواقع، از آنجا که مسائل نظری به‌طور عمده برخاسته از مسائل هر جامعه‌ای است، پس نظریه‌هایی که در یک جامعه خاص ارائه شده، الزاماً قابل تطبیق و عملیاتی شدن برای جامعه دیگری نیست. از این‌رو، در گام دوم انقلاب، در حوزه اندیشه باید تلاش کرد تا در عین فراتر رفتن از جزم‌اندیشی‌های نظری، برای تولید اندیشه، متناسب با مبانی، الزامات و نیازهای انقلاب اسلامی و کشور تلاش کرد.

به عبارت دقیق‌تر، از مهم‌ترین الزامات نظریه نظام انقلابی، تولید دانش و ادبیات متناسب با این نظریه در حوزه‌های مختلف است. اساساً یکی از مهم‌ترین خلأها در چهل سال گذشته که سبب شده نگاه و رویکرد انقلابی در برخی حوزه‌ها در انزوا قرار بگیرد، ضعف منابع دانشی و نظری مبتنی بر نگاه انقلابی بوده است. در این شرایط، گفتمان‌ها و نگاه‌های رقیب نگاه انقلابی به‌راحتی توانسته‌اند رشد و نمو پیدا کنند. این الزام که بیش از هر حوزه‌ای، معطوف به حوزه علوم انسانی است، در بلندمدت می‌تواند در فراهم کردن بنیان‌های نظری لازم برای تحقق دولت اسلامی و فراتر از آن، تمدن نوین اسلامی، بسیار راهگشا باشد. از جمله حوزه‌هایی که باید ظرفیت اندیشه‌ای - دانشی متناسب با آن تقویت شود، می‌توان به مدیریت جهادی، آموزه‌های دفاع مقدس، اندیشه‌های راهبردی امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری و ... اشاره کرد.

۶. ۱. ۸. **گفتمان‌سازی: تقویت نگاه انقلابی در کشور مستلزم گفتمان‌سازی است.** در این زمینه، بایستی با ترویج و تبیین ضرورت این موضوع در این برهه از زمان برای کشور و طرح آن در فضای عمومی جامعه، برای تقویت گفتمان و نگاه انقلابی تلاش شود. اهمیت این بحث از آنجا ناشی می‌شود که وقتی موضوعی به گفتمان عمومی جامعه تبدیل شود، چهارچوبی خواهد بود برای هدایت جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌های افراد، سازمان‌ها و ... به عبارتی، وقتی یک موضوع به گفتمان تبدیل شود؛ یعنی در فضای عمومی جامعه جای گرفته است و در این حالت می‌توان امیدوار بود که همه خود را در چارچوب و قالب آن گفتمان تعریف کنند و برنامه‌ها و کنش‌های خود را با آن هماهنگ کنند. در این صورت، تحقق آن موضوع کار دشواری نخواهد بود و این به معنای استفاده از توان حداکثر افراد و نیروهای جامعه، در راستای تحقق هدف موردنظر است. از جمله موارد، گزاره‌ها و دال‌هایی که در این گفتمان‌سازی باید مورد تأکید قرار گیرد، روی آوردن



به درون و اتکا به ظرفیت‌های داخل کشور، جهاد کبیر در مقابل دشمنان و حفظ استقلال نظام در دنیای متلاطم کنونی، مدیریت جهادی و... است.

۶.۱.۹. مردم‌باوری و مردم‌محوری: موفقیت‌ها و دستاوردهای چهل سال گذشته و همچنین، عبور از گردنه‌های سخت و صعب‌العبور پیش روی انقلاب اسلامی، در سایه حمایت‌های مردمی امکان‌پذیر بوده است. از این‌رو، نگاه انقلابی ایجاب می‌کند که در گام دوم انقلاب اسلامی مردم‌باوری و مردم‌محوری تداوم داشته باشد. توضیح آن که انقلاب اسلامی ایران تنها انقلاب در تاریخ جهان است که با گذشت بیش از چهل سال از پیروزی آن، هنوز هویت انقلابی خود را حفظ کرده است. در واقع، انقلاب اسلامی، انقلابی «در حال شدن» است و آرمان‌های آن با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی نه تنها به پایان نرسید؛ بلکه افق‌های جدید و والاتری نیز پیش روی آن ترسیم شد. از این‌رو، رهبران این انقلاب، همواره بر ساری و جاری بودن انقلاب در جامعه و تداوم جوش و خروش روحیه انقلابی در میان آحاد مردم تأکید داشته‌اند. دقت در این مهم سبب شده که جمهوری اسلامی، ثبات و پایداری خود را، حتی در بحرانی‌ترین لحظات را به حضور مردم در صحنه گره بزند و تاکنون در این زمینه موفق بوده است. غائله ۱۸ تیر ۱۳۸۷ و فتنه ۸۸، با همین راهبرد مردمی‌سازی و اتکا به حمایت‌های مردمی شکست خورد یا اینکه دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای نیز در سایه این مهم محقق شد.

به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی از آن رو موفق به تداوم حیات خود شده است که بسیج سیاسی مردمی را همواره در طول چهل سال گذشته حفظ کرده است. حال آن که نهضت‌های پیش از انقلاب اسلامی، عمدتاً در مرحله قبل از پیروزی به نیروی مردمی اتکا داشتند و در مرحله بعد از پیروزی، اتکای چندانی به نیروهای مردمی نداشتند. به عبارتی، نهضت‌های مذکور چون در مرحله بعد از پیروزی، بیش از آن که متکی به مردم باشند، متکی به نخبگان سیاسی بودند، با بالا گرفتن اختلافات میان نخبگان، بلافاصله زمینه‌های ضعف، زوال و شکست آن‌ها هویدا می‌شد.

## ۶.۲. در حوزه روحیه انقلابی

این بُعد از نظریه نظام انقلابی، اگرچه در حوزه گرایشی قرار دارد، اما به‌طور مستقیم از گنش‌ها و اقداماتی که در جامعه انجام می‌شود، متأثر است؛ به عبارت دیگر، روحیه انقلابی بیش از هر

عاملی، در اثر کنش‌های انقلابی شکل می‌گیرد. بر این اساس، برخی از مهم‌ترین الزامات تقویت روحیه انقلابی برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

۱. ۲. ۶. **امید و نگاه خوش‌بینانه نسبت به آینده:** امیدواری نسبت به آینده روشن انقلاب و کشور، یکی از مهم‌ترین نکاتی است که در ترویج روحیه انقلابی اثرگذار خواهد بود. در این زمینه، مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده «کلید اساسی همه قفل‌ها» دانستند؛ تعبیری که گویای اهمیت این موضوع است.

۲. ۲. ۶. **تولیدات فرهنگی - رسانه‌ای اثربخش:** بخش مهمی از چگونگی شکل‌گیری و تداوم روحيات در هر جامعه‌ای متأثر از تولید فرهنگی - رسانه‌ای است. از این رو، در تلاش برای تقویت روحیه انقلابی در گام دوم انقلاب، تولیدات فرهنگی - رسانه‌ای، توجه خاصی می‌طلبد. از جمله مهم‌ترین حوزه‌هایی که باید در آن به ترویج روحیه انقلابی پرداخت، می‌توان به شعر، موسیقی، سرود، داستان‌نویسی، فیلم و... اشاره کرد. اهمیت این حوزه‌ها، همان‌گونه که اشاره شد، بدان سبب است که هم باورپذیری گزاره‌های انقلابی را بالا می‌برد و هم انگیزه و شوق لازم برای عمل به ارزش‌های انقلابی در جامعه مخاطب را بالا می‌برد.

۳. ۲. ۶. **تقویت نگاه سیستمی:** واقعیت آن است که در کنار برکات و دستاوردهای چهل‌ساله انقلاب اسلامی، نقاط ضعف و کم‌کاری‌هایی نیز وجود دارد. حال چنان چه نسل جوان کشور، به هر دلیلی، از توجه به نقاط قوت غفلت کند و در عوض، به نقاط ضعف تمرکز و توجه بیشتری داشته باشد، قطعاً به یأس و ناامیدی مبتلا خواهد شد. راه‌حل گرفتار نشدن به چنین عارضه‌ای، تقویت نگرش سیستمی و همه‌جانبه در تحلیل شرایط کشور است؛ بدین معنا که باید تلاش شود تا در تحلیل‌ها و اقدامات رسانه‌ای، این‌گونه به مخاطبان القا نشود که مشکلات موجود لاینحل است؛ بلکه در عین بازگویی نقاط قوت، باید این‌گونه القا شود که همان‌گونه که در چهل سال گذشته، دستاوردهای بی‌شماری حاصل شده، مشکلات موجود نیز قابل حل خواهد بود. در واقع، در نگرش سیستمی، باید هم ضعف‌ها را دید و هم قوت‌ها را؛ توجه بیشتر به هر یک، منجر به بخشی‌نگری می‌شود و تبعاتی دارد و با واقع‌بینی در تعارض است.

۴. ۲. ۶. **بازگویی موفقیت‌ها و دستاوردهای چهل‌ساله انقلاب:** توجه به این مورد نیز در ذات خود روحیه‌بخش است، به‌ویژه اگر به‌درستی و با دقت تمام تبیین شود که انقلاب اسلامی،

دستاوردهای چهل سال اخیر خود را در شرایطی به دست آورده که با انواع و اقسام دشمنی‌ها، فشارها، تهدیدها و... روبرو بوده، اما همه این موارد نتوانسته سد راه این انقلاب در دستیابی به پیشرفت شود.

۶. ۲. ۵. بازگویی ظرفیت‌های مختلف کشور: ظرفیت‌های مختلف کشور اعم از انسانی، جغرافیایی و طبیعی، در حوزه علم و فناوری و... نیز بیش از سایر موارد می‌تواند در ترویج روحیه انقلابی مؤثر باشد. به مناسبت‌های مختلف به این ظرفیت‌ها اشاره شده و در اینجا به‌منظور رعایت اختصار، از بیان آن‌ها خودداری می‌کنیم. تنها نکته مهم در ارتباط با این ظرفیت‌ها این است که کشوری با این میزان ظرفیت‌ها و توانایی‌های نمی‌تواند بن‌بست داشته باشد.

۶. ۲. ۶. بازگویی توانایی انقلاب برای عبور از دشواری‌های چهل سال اخیر: توجه به این واقعیت نیز می‌تواند بسیار روحیه‌بخش و امیدآفرین باشد. به‌عنوان مثال، وقتی جوان امروز ما بداند که در دوران دفاع مقدس در مقابل جبهه‌ای از دشمنان مختلف، آن هم با دست‌خالی و تنها با اتکا به خداوند متعال، مجاهدت‌های رزمندگان و حمایت‌های مردمی توانستیم، آن عرصه را به صحنه دلاوری‌ها و رشادت‌های خود تبدیل کنیم، بدون شک در هم‌اوردی امروز، از تجهیزات و امکانات جبهه دشمنان انقلاب اسلامی نمی‌هراسد و خود را برای رویارویی با این دشمنان و اعتلای انقلاب و کشور آماده می‌کند.

### ۶. ۳. در حوزه عمل و مدیریت جهادی

الزامات این حوزه از یک‌جهدت، معطوف به حل و رفع چالش‌های موجود و از جهت دیگر، معطوف به تحقق گام دوم انقلاب است. به عبارتی، در حوزه عمل باید به‌گونه‌ای عمل شود که ضمن جبران ضعف‌ها و چالش‌های موجود در کشور، به آرمان‌ها و افق‌های تعیین‌شده در گام دوم نیز جامعه عمل پوشانده شود.

۶. ۳. ۱. نهراسیدن از مشکلات و موانع: عمل جهادی یعنی وراى توان عادی خود کوشیدن، یعنی با کمبود بودجه و نیرو و امکانات جنگیدن؛ یعنی پذیرفتن سخت‌ترین کارها و انجام دادن آن‌ها به نحو احسن؛ بنابراین، در عمل جهادی، «نمی‌شود»، «نمی‌توانیم»، «نمی‌رسد»، «بودجه و امکانات کافی نیست» و ... محلی از اعراب ندارند. مدیر جهادی، به موانع و مشکلات به دیده

فرصت می‌نگرد و هرگز از مشکلات نمی‌هراسد؛ بلکه خود را برای رفع آن‌ها آماده می‌کند. امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

آن‌ها که کمر بسته‌اند برای حفظ اسلام، باید اشخاصی باشند که اگر همه رفتند، آن‌ها بمانند. کسی که مشغول کاری است، باید با مشکلات بسازد، کسی که عمل به این مهمی می‌کند، باید بسازد تا درست شود، کسی که بخواهد مشکلی در کار نباشد، باید مثل مرده‌ها برود قبرستان یا مثل درویش‌ها منزوی بشود (صحیفه امام، ۱۳۶۱، ج ۱۸: ۳۴۸).

۲.۳.۶. اقدام قاطع برای حل مشکلات و مبارزه با مفسدان: اقدام جهادی، انقلابی، قاطع، سریع، مقتضی و متناسب برای حل مشکلات از یک‌سو و برخورد بدون مماشات و ملاحظه با اخلال‌گران و مفسدان در امور کشور از دیگر الزامات تحقق گام دوم انقلاب اسلامی است. بر این اساس، مسئولان باید در حوزه‌هایی که می‌توانند و مربوط به حوزه مسئولیت آن‌هاست، عزم و اراده جدی برای حل مشکلات داشته باشند. به نظر می‌رسد که در صدر این اقدامات باید «ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد»، «حمایت از اقشار ضعیف و کم‌درآمد»، «ایجاد فرصت‌های شغلی»، «چابک‌سازی روندهای بوروکراتیک»، «مبارزه جدی، علنی، شفاف و اثربخش با مفسدان و محترکان، به‌ویژه آقازاده‌ها و نزدیکان به برخی مسئولان» و ... قرار داشته باشد.

۳.۳.۶. پرهیز از رویکرد جناحی و حزبی در اداره امور: عمل جهادی به حواشی مسئله‌ساز توجه ندارد؛ زیرا آن‌چه در عمل جهادی مهم است، همانا خدمتگزاری است. از این‌رو، در عمل جهادی باید تلاش شود تا بدون توجه به وابستگی‌های حزبی و جناحی، از ظرفیت تمامی نیروهای مؤمن و معتقد به اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی استفاده شود تا آنان به‌سوی عملکرد واگرایانه کشیده نشوند و از ظرفیت آن‌ها برای تقویت کشور و خدمتگزاری هرچه بیشتر به مردم استفاده شود. مقام معظم رهبری در این‌باره می‌فرمایند:

... ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند. البته ما هر کدامان دل‌بستگی‌هایی داریم، سلیقه‌هایی داریم؛ در زمینه سیاسی، در زمینه مسائل اجتماعی، دوستی‌هایی داریم، دشمنی‌هایی داریم، این‌ها همه حاشیه است؛ متن عبارت است از خدمت؛ نباید بگذاریم این حواشی بر روی این متن اثر بگذارد؛ و یک نکته‌ای که در این زمینه خدمت هست، این است که وقت محدود است

۴.۳.۶. تلاش برای گسترش عدالت: توجه به عدالت در گام دوم انقلاب اسلامی از چند جهت حائز اهمیت است؛ اول این‌که عدالت یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی و در عین حال، از مهم‌ترین کارویژه‌های حکومت اسلامی است. دوم این‌که عدالت از جمله حوزه‌هایی است که اگرچه در چهل سال گذشته مورد توجه بوده، اما هنوز هم مسائل حل نشده فراوانی در ارتباط با آن وجود دارد. نظام انقلابی در گام دوم انقلاب اسلامی نمی‌تواند به مسئله عدالت بی‌توجه باشد و باید برای تحقق هر چه بیشتر عدالت ناپ‌اسلامی تلاش کند.

۵.۳.۶. جوان‌گرایی: میدان دادن به جوانان به‌عنوان مخاطبان اصلی رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، الزامی تردیدناپذیر در حوزه عمل جهادی است. این موضوع از چند جهت حائز اهمیت است؛ اول آن‌که میدان دادن به جوانان، تجربه موفقی است؛ یعنی در هر جایی که به جوانان اعتماد شده، موفقیت حاصل شده است. دوم آن‌که کشور در آستانه یک گذار نسلی قرار دارد که طی آن، نسل اول و دوم انقلاب باید رسالت‌ها و مسئولیت‌های انقلاب را به‌زودی به نسل جوان واگذار نمایند. از این‌رو، جوان‌گرایی باید هر چه دقیق‌تر، کامل‌تر و سریع‌تر در همه حوزه‌ها مدنظر قرار گیرد.

۶.۳.۶. نهادسازی جهادی و انقلابی: نهادسازی مطابق با نگاه انقلابی نیز از الزامات مهم برای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی است. اهمیت این موضوع از آن‌رو است که به‌عنوان نمونه توفیق جمهوری اسلامی در بدترین شرایط درآمدی و امنیتی در دهه نخست برای کاهش شدید محرومیت روستاها و حاشیه‌نشین‌ها، ناشی از یک نهادسازی صحیح و هوشمندانه با به‌کارگیری نیروهای مردمی و جهادی بود. همین‌طور است درباره افزایش سطح سواد و تحصیلات و همچنین خدمات درمانی و بهداشتی. از سوی دیگر ناکامی پانزده سال اخیر (پس از فرمان رهبر انقلاب در اوایل دهه ۱۳۸۰) در مبارزه با قاچاق کالا یا فساد اقتصادی، دقیقاً معلول موفق نشدن در نهادسازی و انگیزه‌بخشی عاملان اقتصادی و سیاسی برای همکاری حول این محورها بوده است. ما گاه نتوانسته‌ایم صاحبان منافع شخصی و گروهی را به تغییر رفتار به نفع منافع ملی و اسلامی ملزم سازیم، گاه نتوانسته‌ایم هزینه تصمیمات بحران‌زا یا رفتارهای فسادزا را به‌قدر کافی و بازدارنده بالا ببریم و گاه نتوانسته‌ایم مشارکت واقعی مردم در اقتصاد و اداره امور کشور را تضمین کنیم. ثمره نهادهای فعلی، خود را در ایجاد شبکه‌ای از ذی‌نفعان اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد که نفع آن‌ها در استمرار واردات کالاهای اساسی و وابستگی به خارج، حفظ وابستگی بودجه دولت

به نفت، تداوم قاچاق کالا، فساد اقتصادی یا هر چیز دیگری است (خاندوزی، ۱۳۹۷). حال آن که با نهادسازی انقلابی می‌توان مانع از تداوم فعالیت این شبکه‌ها در کشور شد.

**۶.۳.۷. تقویت نگاه راهبردی و بلندمدت در سیاست‌گذاری:** واقعیت آن است که در دهه‌های گذشته، ما از کوتاه‌نگری اعضای دولت و مجلس آسیب‌های بسیار خورده‌ایم و گاه به‌خاطر منافع کوتاه‌مدت در دوران مسئولیت خویش، از حرکت به سمت اصلاحات ریشه‌ای و بلندمدت و احیاناً دردناک فرار کرده‌ایم و مثلاً تا دیوار تحریم بر سر ما خراب نشده، دست به تدابیر جدی نزده‌ایم: بحران‌های زیست‌محیطی و صندوق‌های بازنشستگی و بدهی‌های دولت را به آیندگان واگذار کرده‌ایم و امثال این مواجهه‌ها. تنها گذراندن یک دوره مشکل ارزی، مجازات یک مفسد اقتصادی، رسیدگی موقت به یک اعتراض کارگری یا استمهال موقت بدهکاران بانکی را در دستور کار قرار داده‌ایم و کمتر به ریشه‌ها پرداخته‌ایم (خاندوزی، ۱۳۹۷). در صورتی که با نگاهی راهبردی و بلندمدت، اولاً این قبیل مسائل نباید مانع حرکت پیش‌رونده انقلاب می‌شد و ثانیاً برای جلوگیری از تکرار این قبیل مسائل باید از روزمرگی و داشتن افق کوتاه‌مدت پرهیز کرد.

**۶.۳.۸. بسترسازی برای ترویج فعالیت‌های انقلابی:** بدون شک میان سهولت دست یازیدن به فعالیت‌های انقلابی با ترویج اقدامات انقلابی و به‌تبع آن، ترویج روحیه انقلابی، نسبت مستقیم وجود دارد؛ بنابراین، اگر قرار است روحیه انقلابی در کشور گسترش یابد و تقویت شود، باید بستر لازم برای ترویج فعالیت‌های انقلابی، بیش‌ازپیش، فراهم شود و موانع پیش‌روی این قبیل فعالیت‌ها برطرف گردد.

**۶.۳.۹. میدان دادن به افراد و مجموعه‌های انقلابی:** یک واقعیت قابل‌تأمل در کشور این است که در برخی موارد، افراد و مجموعه‌های انقلابی، به‌جای آن که بیش از سایرین مورد توجه باشند و موانع پیش‌روی آن‌ها با سرعت مرتفع شود؛ اما ملاحظه می‌شود که موانع پیش‌روی آن‌ها حتی بیشتر از سایرین نیز است. به‌عنوان مثال، می‌توان به حضور نیروهای انقلابی در عرصه‌های سازندگی و عمرانی اشاره کرد، به‌گونه‌ای که علی‌رغم کارآمدی این نیروها در حوزه‌های مذکور، اما به‌راحتی از انجام برخی پروژه‌ها منع می‌شوند، یا این‌که در حالی که آن‌ها توانایی انجام برخی پروژه‌ها را دارند، اما همان پروژه‌ها به کارفرمای خارجی واگذار می‌شود. در چنین وضعیتی، روحیه انقلابی، به‌جای بالندگی و احساس شکوفایی، ممکن است دچار افت شود.

۶. ۳. ۱۰. پیشگامی مسئولان در حوزه‌های انقلابی: بدون شک، میان ترویج روحیه انقلابی در جامعه با پیشگامی مسئولان در حوزه‌های انقلابی، نسبت مستقیم وجود دارد؛ یعنی به میزانی که مسئولان در حوزه‌های انقلابی پیشگام و پیش قدم باشند، روحیه انقلابی به همان میزان در جامعه رشد یافته و ترویج می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر مسئولان کشور در نهادهای مختلف، مدیریت جهادی را سرلوحه کار خود قرار دهند و مردم ثمرات این نوع مدیریت را لمس کنند، روحیه انقلابی در جامعه غلبه پیدا می‌کند. به تعبیر دیگر، در اینجا باید از تطابق حرف و عمل مسئولان، به‌ویژه مسئولان انقلابی سخن گفت.

۶. ۳. ۱۱. سرلوحه قرار دادن سبک زندگی انقلابی: یکی از مهم‌ترین مواردی که در ترویج روحیه انقلابی در کشور تأثیر جدی دارد، «انقلابی زیستن» است. در واقع، وقتی زندگی و سیره ما تجلی ارزش‌های انقلابی باشد، در این صورت، روحیه انقلابی به‌صورت مداوم در فضای جامعه حفظ و تقویت می‌شود. این موضوع، به‌ویژه در ارتباط با مسئولان اهمیت دارد. بنا به همین اهمیت است که رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب به سبک زندگی به‌عنوان یکی از عرصه‌هایی که در تحقق گام دوم باید مورد توجه قرار گیرد، تأکید داشتند.

### نتیجه‌گیری

گذر انقلاب اسلامی از گام اول آن و کسب موفقیت‌ها و دستاوردهای بی‌شمار در این گام، در عین وجود برخی آسیب‌ها و چالش‌ها، نشان می‌دهد که راز موفقیت‌ها و آسیب‌های مذکور را باید در جهت‌گیری‌ها و نگاه‌های حاکم بر بخش‌های مختلف کشور دانست؛ بدین معنا که هر جا نگاه انقلابی و جهادی مبنا بوده، دستاوردهای بی‌شمار، آن هم در شرایط سختی، فشار و تهدید، حاصل شده است و هر جا که از نگاه انقلابی و جهادی فاصله گرفته‌ایم، دل‌زدگی و آسیب ایجاد شده است؛ بنابراین، نگاه انقلابی و جهادی یکی از ظرفیت‌های راهبردی نظام اسلامی است که در فرصت‌سازی و خلق مزیت در چهل سال گذشته، تأثیر بسزا داشته است.

درواقع، اکنون که انقلاب اسلامی وارد گام دوم خود شده است، باید در عین آن که بتواند آسیب‌ها و ضعف‌های موجود در کارنامه چهل‌ساله خود را جبران کند، باید برای تحقق گام دوم انقلاب و تسخیر افق‌های تعیین‌شده در این گام نیز تلاش کند. برای این منظور، انقلاب اسلامی

باید بر ظرفیت‌های خود بیش‌ازپیش اتکا داشته باشد. «نگاه انقلابی» و «عمل انقلابی»، یکی از مهم‌ترین این ظرفیت‌ها است. در این میان، نظریه نظام انقلابی، زیربنای نظری و عملی لازم برای اداره کشور و نظام به شیوه انقلابی فراهم می‌کند؛ به شرط آن که به الزامات آن در حوزه‌های سه‌گانه «نگاه انقلابی»، «روحیه انقلابی» و «عمل جهادی» توجه شود.

## فهرست منابع

- امام خمینی علیه السلام، سید روح الله (۱۳۶۱)، *صحیفه امام*، مجموعه رهنمودها، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- برینتون، کرین (۱۳۶۶)، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، چاپ چهارم، تهران: نشر نو.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۷)، *نظریه‌ای که راهنمای عمل است*، در: <http://farsi.khamenei.ir>.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۸)، *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ افتخار به گذشته، امید به آینده*، تهران: دفاع.
- «نه آنارشیسم، نه محافظه‌کاری»، در: *هفته‌نامه خط حزب‌الله*، شماره ۱۷۳.
- فتحعلی، محمود (۱۳۸۹)، *درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- قربانی، مصطفی (۱۳۹۵)، *ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری*، تهران: ناد جاوید.
- خاندوزی، سید احسان (۱۳۹۷)، *گام دوم و اصلاحات نظام سیاست‌گذاری*، در: <http://farsi.khamenei.ir>.
- کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان (۱۳۹۲)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی)*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ یازدهم، تهران: توتیا.
- وینسنت، اندرو (۱۳۹۲)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، چاپ نهم، تهران: نی.
- Cordesman, Anthony H. and Harrington Nicholas (2018), "The Arab Gulf States and Iran: Military Spending, Modernization, and the Shifting Military Balance", December 12, at: <https://www.csis.org>.
- <https://tradingeconomics.com/iran/fiscal-expenditure>.
- <http://farsi.khamenei.ir>.